



هدای مازندرانی

تاریخچه تعزیه و کارکرد آن در حفظ ارزش‌های دینی

تعزیه؛ نیاز معنوی و اجتماعی



تعزیه

اشاره:

شاید بتوان هنر نمایش آیینی و مذهبی براساس واقعه کربلا و شهادت امامان که در طول تاریخ به هنر نمایشی «تعزیه» شهرت یافته است را دارای نقشی مؤثر در تبیین آموزه‌های امامان شهید (ع) ارزیابی کرد. پرواضح است که تبیین درست وقایع و پرهیز از خرافه‌گویی‌ها در ارائه این هنر، می‌تواند جایگاه آن را به عنوان یک هنر متعالی ارتقاء بخشد.



(Play)، و میراکل پلی (Miracle Play) و نظایر آن نیز استفاده کرده‌اند.^۱

ب) فلسفه تعزیه

تعزیه و یا «شبییه» حاصل تجاربی است که از فکر مذهبی نشأت گرفته و به تدریج دارای محتوای مذهبی می‌شود. تعزیه نمایشی آیینی، فراگیر و بسیار تماشایی است که کل اجتماع را در بر می‌گیرد. به تدریج، دارای بُعدی فراتر از صورت خود می‌شود که تا ژرفای اسطوره، اعتقاد و مقولات دین مردم امتداد می‌یابد. تعزیه به واسطه کارایی نمایشی فراگیر خود، ارزش‌های اعتقادی عامیانه جامعه را جذب و بیان تئاتری بخشیده است. یعنی، مفهوم «شبییه» به افکار جامعه‌ای که آن را ارائه کرد، ارتباط و پیوستگی مستقیم دارد؛ به خاطر این که جامعه مزبور، سوگواری را به خاطر قهرمانان خود برپا می‌کند. فهم فلسفه تعزیه تنها از طریق بازگشت به بنیادهای مفهومی و عملی آن در تاریخ و محیط هر دوره خاص امکان‌پذیر است. چنین فهمی، اصول خلاق آن را نسبت به حقیقت و زیبایی روشن خواهد ساخت.^۲ تعزیه بیانگر وجهی از تاریخ دینی شیعیان

و مرز آن معلوم و مشخص باشد و با تعزیه و تعزیه‌داری به مفهوم عام آن (یعنی عزاداری و روضه‌خوانی) اشتباه نشود. بعدها نویسندگان کلمه مفرد «شبییه» را، هم به مجلس تعزیه و هم به تعزیه‌خوانی اطلاق کردند. همچنین برخی از فضلا و علمای مذهبی با توجه به نمایشی بودن تعزیه و صحنه‌آرایی آن، اصطلاح «تعبییه» را نیز به کار بردند و به اصطلاحات «شبییه» و «تشبییه» افزودند. با این همه چون این گونه نمایش‌های مذهبی، حتی شکل‌های نسبتا شاد و مضحک و طنزآمیز آن، پیوند خود را با تعزیه‌های شهادت حفظ کرد و عامه مردم نیز تعزیه را فقط در مفهوم و ماهیت آیینی و مذهبی‌اش می‌شناختند، اصطلاح تعزیه در میان مردم همچنان باقی ماند. بیشتر ایران‌شناسان و پژوهشگران غربی نیز که در این زمینه مطالعه و تحقیق کرده‌اند، همین اصطلاح تعزیه را به کار برده‌اند، منتها گاهی برای بیان مقصود و تفهیم اصطلاح تعزیه به خوانندگان اروپایی، از کلمات معادل و همانندی چون پیشن پلی (Passion Play)، میستری پلی (Mystery

الف) تعریف

تعزیه در لغت به معنای سوگواری و برپا داشتن مراسم عزاداری به یادبود درگذشتگان است و در اصطلاح به نوعی نمایش آیینی و مذهبی براساس واقعه کربلا و شهادت امامان و وقایع دیگر مذهبی و قصه‌ها و داستان‌های تاریخی و اساطیری و عامیانه اطلاق می‌شود. با تکامل و تحول تدریجی تعزیه‌خوانی در دوره‌های اخیر، بعضی از تعزیه‌های شادی‌بخش و طنزآمیز نیز به آن‌ها اضافه شده است. از این رو، غم‌انگیز بودن، دیگر شرط حتمی تعزیه به مفهوم کلی آن نیست.

در دوره قاجاریه که از بعضی داستان‌ها و وقایع تاریخی و مذهبی، غیر از واقعه کربلا تعزیه ساخته شد و بر جنبه‌های نمایشی یا درامی تعزیه‌های شهادت نیز افزوده گشت، برخی از نویسندگان و ادیبان، واژه‌های «شبییه» و «تشبییه» و مانند آن‌ها را که از دیرباز در نوشته‌ها و منابع کلامی و اسلامی وجود داشت و مفهوم شکلی و نمایشی تعزیه را نیز بهتر افاده می‌کرد، به جای تعزیه به کار بردند تا حد

و نشان‌دهندهٔ رخدادی واقعی - تاریخی در حوزهٔ حیات قدسی قدامت‌اندین و مذهب در جهان تشیع است. مسلمانان شیعه در نمایش آیینی - مذهبی تعزیه، به سنت تکرار باز می‌گردند و اعمال و رفتارهای آغازین نیاکان خود را، گویی که در زمان حال روی داده است، تکرار می‌کنند و باز می‌نمایند. تعزیه‌خوانی، صحنه‌هایی از واقعه‌های تاریخی را که حدود یک‌هزار و چهارصد سال از آن‌ها گذشته و زمینه و رنگ اسطوره‌ای به خود گرفته‌اند، احیا و بازگو می‌کند.^۳ در تعزیه‌خوانی، جبههٔ حق و باطل به خوبی به تصویر کشیده شده و افراد تعزیه‌خوان با بهره‌گیری از صوت خود، طبل و شیپور و نی و وسایل و اشیای نمادین، به ایفای نقش مورد نظر پرداخته، سعی می‌کنند تماشاگران را نسبت به حوادث کربلا و سایر مصایب اهل بیت (ع) متأثر و محزون کنند. تعزیه‌خوانی، غیر از جنبهٔ سوگواری، حالت آموزشی دارد؛ زیرا عامه مردم با مشاهدهٔ این نمایش مذهبی، اطلاعاتی در خصوص تاریخ و حوادث صدر اسلام کسب نموده و در مواردی تصورات آن‌ها از اهل بیت (ع) و دشمنان آن‌ها، با الهام گرفتن از تعزیه در ارتباط است.^۴

در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، بین دو بیست تا سیصد محل جداگانه برای برگزاری تعزیه، اعم از تکیه و حسینیه و میدان وجود داشته است و هر کدام دو بیست تا سیصد نفر را جا می‌داده است.

ج تاریخچه

مدارک تاریخی و قرائن دیگر نشان می‌دهد که پایه‌های این نمایش مذهبی در عصر صفویه و از سوی سلاطین این سلسله استوار گردیده است، ولی در این زمان چون علما و فقها با نمایش و شبیه‌سازی مخالف بودند و از اجرای موسیقی غنایی در فعالیت‌های مذهبی جلوگیری می‌کردند، مراسم مذکور

رواجی نیافت و صحنه‌هایی پراکنده از آن، به صورت متحرک، آن هم در جلوی دستجات عزاداری و سینه‌زنی مشاهده می‌شود. کریم خان زند؛ بعدها با توضیح یکی از سفرای اروپایی در خصوص مراسم شبیه‌سازی و اجرای نمایش در اروپا و گزارش‌هایی که از این مراسم استماع نموده، علاقه‌مند گردید تا چنین فعالیت‌هایی در ایران اجرا شود، ولی روایت آن مربوط به کربلا و عاشورا باشد. بنابراین، متداول شدن تعزیه به این عصر باز می‌گردد؛ دوره‌ای که در آن هیچ‌گونه تحوُّلی در فرهنگ و تمدن ایران صورت نگرفت.^۵

در دورهٔ سلسلهٔ قاجاریه، تعزیه‌خوانی هم از نظر محتوا و هم از نظر کیفیت و هم از نظر نحوهٔ برگزاری و محل آن، به اوج تکامل رسید و بنا به شواهد موجود در زمان ناصرالدین شاه، افراد تا آن حد آگاهی یافته بودند که بدانند فکر دراماتیزه کردن مراسم مذهبی تدریجاً به ظهور رسیده است. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، بین دو بیست تا سیصد محل جداگانه برای برگزاری تعزیه، اعم از تکیه و حسینیه و میدان وجود داشته است و هر کدام دو بیست تا سیصد نفر را جا می‌داده است.^۶

در این دوره، نخستین حکم معروف دربارهٔ تعزیه و جواز اجرای آن، از سوی میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی، مشهور به میرزای قمی، از مجتهدان عصر قاجاریه، صادر گردید. ایشان فتوا داد که شبیه‌خوانی اشکالی ندارد. روشن است که صدور مجوز اجرای تعزیه از سوی فقها به خاطر سوگواری بیشتر و افزون‌تر برای اهل بیت (ع) می‌باشد و این که عامه مردم بتوانند از این طریق تألمات روحی خود را نسبت به ائمه ابراز دارند.

پادشاهان قاجار که مجری و گرداننده تعزیه بودند، با داخل نمودن فرهنگ جبر در تعزیه و مطرح نمودن دو قشر «ستم‌پذیر» و «ستمگر»، خواستند به مردم این‌گونه القاء کنند که اگر دچار محرومیت هستند و زبونی و حقارت به آن‌ها روی آورده است، سرنوشت محتوم آن‌هاست. آنان با این کار می‌خواستند باب توجیهی برای اوضاع ناگواری که خود آن را پدید آورده بودند، باز کنند.^۸ اما با وهن‌انگیز شدن صحنه‌های تعزیه و نفوذ فرهنگ پادشاهان قاجار در آن و

مغایرت مضامین این نمایش با فرهنگ تشیع، علما و فقهای شیعه را واداشت تا شبیه‌خوانی را مورد انتقاد قرار دهند. البته در دوران صدارت امیرکبیر، اقدامات شایسته‌ای در جهت بالندگی این هنر بومی صورت پذیرفت. وی درصدد بود تا وضع روضه‌خوانی و تعزیه‌داری را به صورت آبرومند درآورد، بر همین اساس به یکی از شعرا به نام «شهاب» دستور داد تا اشعار شیوا با مضامین عالی و آموزنده‌ای برای دستجات سینه‌زنی بسراید و در اختیار آن‌ها بگذارد تا اشعار نارسا و سبک را از مراثی سیدالشهداء (ع) حذف کنند.^۹ این برنامه، اولین اصلاحاتی بود که در مورد تعزیه و در عصر قاجاریه در اواسط قرن سیزدهم صورت پذیرفت. در دوران سلطنت رضاخان، وی به شدت با مجالس سوگواری و عزاداری و انجام تعزیه‌خوانی مخالفت کرد و از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰، تعزیه را ممنوع اعلام نمود. بعد



از جنگ جهانی دوم، تعزیه به روستاها و نقاط دوردست ایران راه یافت و در عصر محمدرضا شاه، برخوردهای گوناگونی با تعزیه شد. آن‌ها گاهی با آن مخالفت می‌کردند و در مواقعی خود به اجرای آن دست می‌زدند. در جشن مبتذل هنر شیراز در کنار آن مراسم و قیچانه، تعزیه حضرت مسلم بن عقیل (ع) را به نمایش گذاشتند تا به پندار خام خود، این مراسم را بی‌خاصیت کنند.^{۱۱}

د ویژگی‌های تعزیه

برای تعزیه، می‌توان ویژگی‌هایی را به اختصار، این‌گونه برشمرد:

زمینه دینی - مذهبی

ادبیات نمایشی تعزیه، از چشمه فیاض ادبیات روایی دینی - مذهبی ایران مانند مقتل نامه‌ها، سوگ‌چامه‌ها، روایت‌های کتبی و شفاهی درباره تاریخ پیامبران و تاریخ واقعه کربلا، قصص قرآن و مجموعه

تعزیه‌خوان، همچون روضه‌خوان واقعه‌گو، از فراز سکوی تکیه که نقشی چون منبر در مسجد دارد، تاریخ قدسی وقایع مذهبی و چگونگی مصایب اهل بیت مطهر پیامبر (ص) را با کمک کلمات و حرکات برای مردم روایت می‌کند.

قصص اعجاز دینی بهره گرفته و تناور شده است. تعزیه‌نامه‌های اصلی را عموماً براساس فاجعه شهادت شهیدان عاشورا و وقایع مربوط به پیش و پس از آن وقایع ساخته‌اند. همراه تحول تعزیه‌خوانی؛ تعزیه‌سازان، تعزیه‌ها و گوشه‌هایی نیز بر بنیاد داستان‌ها و واقعه‌های دینی مانند «یوسف و زلیخا» و ... نوشتند. بیشتر تعزیه‌های فرعی یا گوشه‌ها، مضامین شاد دارند و با تاریخ کربلا ناوابسته‌اند. با این همه، درونمایه اکثر آن‌ها دینی است و اندیشه و باورهای مذهبی به نحوی در ساخت و پرداخت آن‌ها به کار رفته است. ضمناً تعزیه‌خوان‌ها به هنگام خواندن این تعزیه‌ها، هر جا و هر زمان که مناسب بدانند، به صحرای کربلا گریز می‌زنند و گوشه‌های از مصایب و آلام امام حسین (ع) و اهل بیت او را یاد می‌کنند. ناگفته نماند که در تاریخ تعزیه‌نویسی، تعزیه‌هایی نیز براساس داستان‌های غیر مذهبی نوشته و اجراء کرده‌اند. شمار این تعزیه‌ها اندک است. «بر دار کردن منصور حلاج» و «مالیات گرفتن جناب معین‌البکا» از جمله آن‌ها به شمار می‌روند. چون مضمون و درونمایه این نوع تعزیه‌ها، غیر مذهبی بود، در میان مردم آن‌چنان که بایسته و شایسته این‌گونه شبیه‌خوانی‌ها بود، جا باز نکرد و در راه تحول و تکامل قرار نگرفت.

زمینه تاریخی

تعزیه‌های اصلی بیشتر به واقعه‌های تاریخی - مذهبی اشاره دارند. داستان این‌گونه تعزیه‌ها، مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به سرگذشت انبیا و امامان و شرح جنگ‌ها و شهادت‌ها و رویدادهای مذهبی، به ویژه واقعه عاشورا در تاریخ شیعه وابسته است. واقعه روز عاشورا، به صورت یک واقعه قدسی در تاریخ مذهب شیعه آشکار گردید. از آن زمان، این واقعه قدسی در صفحات تاریخ جامعه‌های شیعی و ذهنیت تاریخ و مردم شیعه و زندگی آیینی آنان نشست و نسل اندر نسل به تقریر و تحریر و تصویر و تشبیه درآمد.

تعزیه‌خوان، همچون روضه‌خوان واقعه‌گو، از فراز سکوی تکیه که نقشی چون منبر در مسجد دارد، تاریخ قدسی وقایع مذهبی و چگونگی مصایب اهل بیت مطهر پیامبر (ص) را با کمک کلمات و حرکات برای مردم روایت می‌کند. وظیفه تعزیه‌خوان، نقل تاریخ مذهبی به زبان و بیان شعر و موسیقی و به شیوه نقلی و نمایش وقایع مذهبی به صورتی قدسیانه و با حرکتهایی سنجیده و استوار و آگاه کردن مردم عامه از تاریخ وقایع کربلاست. مردم آنچه را که از وقایع کربلا و پای منبر روضه‌خوانان شنیده‌اند، در پای سکوی تعزیه‌خوانان به چشم می‌بینند و دریافت می‌کنند. تعزیه‌خوانان از وظیفه و رسالتی که دارند به خوبی آگاه‌اند و می‌دانند که در تعزیه‌خوانی باید همچون مناقب‌خوانان، روضه‌خوانان و نوحه‌سرایان؛ آنچه را بر اهل بیت نبوت (ص) گذشته برای مردم بازگو کنند و تاریخ مذهب را زنده و مستمر نگه دارند.

«تراژیک» یا حزن‌انگیز بودن

تعزیه‌ها، به خصوص تعزیه‌های اصلی یا به اصطلاح «واقعه»ها که موضوع آن‌ها شرح مصایب قهرمانان حماسه‌ساز کربلا و بیان واقعه شهادت است، زمینه «تراژیک» یا حزن‌انگیز دارند و می‌توان آن‌ها را از آثار برجسته تراژیک در ادبیات نمایشی جهان به شمار آورد.

پیوند با زمان آیین‌های سوگواری شهیدان و برپایی تعزیه‌خوانی، دوره و زمان خاص و معینی در سال دارد. ۱۰ روز اول محرم و ۱۰ روز آخر ماه صفر هر سال، فصل ویژه تعزیه‌خوانی‌های سنتی است. این دو دهه زمانی است که در آن واقعه‌های

تألم‌انگیز شهادت امام حسین (ع)، امام حسن مجتبی (ع)، امام رضا (ع) و رحلت پیامبر اسلام (ص) در این دو دهه زمانی رخ داده است. همچنین اربعین حسینی نیز مصادف با بیستم ماه صفر است. از این رو این دو دهه برای عموم شیعیان جهان دوره یادآوری شهیدان و زمان سوگواری به شمار می‌رود.^۵

د تعزیه گردانان

تعزیه‌گردانان یا تعزیه‌خوانان را براساس نقشی که بر عهده داشتند، می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

اولیاخوانان: یا مظلوم‌خوانان یا مؤالف‌خوانان یعنی تعزیه‌خوانانی که در نقش یا شبیه پیامبر و امامان و اصحاب و



باران ایشان و پیامبران دیگر درمی‌آمدند، مانند شبیه‌های حضرت رسول (ص)، حضرت علی (ع)، امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت عیسی و سلیمان پیغمبر و ... در این دسته، افراد به گونه‌های: امام‌خوان و شهادت‌خوان تقسیم می‌شوند.

اشقیانخوانان: یا مخالف‌خوانان، یعنی کسانی که شبیه دشمنان و مخالفان خاندان نبوت و امامان و پیغمبران دیگر می‌شدند، مانند ابن‌سعد، شمر، حرمله، ابن‌ملجم، هارون، مأمون، فرعون و ...

اشخاص میانه‌حال: یعنی کسانی که



و ذکر مصیبت و افشاندن اشک در ماتم شهادت او و آلام اهل بیتش (ع) را تلاشی در پالودن گرد مصیبت از چهره جان و سبک کردن بار گناه و تزکیه نفس و ذخیره کردن اجر معنوی و ثواب اخروی می پنداشتند. مردم با حضور در مجالس تعزیه خوانی و موبیدن و گریستن در سوگ امام حسین (ع) و شهیدان کربلا و نالیدن در غم به اسیری بردن اهل بیت (ع)، پیوند خود را با مذهب پدران و نیاکانشان استوار می کردند و از ثواب ذکر مصیبت و گریه در عزای امام حسین (ع)، توشه ای معنوی برای سفر آخرت خود

تعزیه‌ها، به خصوص تعزیه‌های اصلی یا به اصطلاح واقعه‌ها که موضوع آن‌ها شرح مصایب قهرمانان حماسه‌ساز کربلا و بیان واقعه شهادت است، زمینه تراژیک یا حزن‌انگیز دارند و می‌توان آن‌ها را از آثار برجسته تراژیکی در ادبیات نمایشی جهان به شمار آورد.

فراهم می‌آوردند. گشودن باب توسل جویی تقلید و تکرار تمثیلی رفتار و گفتار ایزدگونه انبیا و اولیا در تعزیه خوانی و باز نمودن شکل غم‌انگیز شهادت امام حسین (ع) و یاران وفادار او در کربلا، به این نمایش آیینی ارزش و پایگاهی قدسیانه

بخشیدن بدان و تکامل تدریجی و طبیعی که تعزیه در پیش گرفته، همه از نیازهای معنوی و اجتماعی سرچشمه گرفته است؛ نیازی که جامعه و بالاخص توده واقعی مردم به تکیه‌گاه روحی داشته است.^{۱۱} تعزیه خوانی نقش برجسته‌ای در فرهنگ و ادب و هنر عامه و روان جمعی مردم جامعه‌های سنتی - مذهبی گذشته و کنونی داشته است. افزون بر نقش آن در آموزش و زنده و پایا نگهداشتن وقایع تاریخی - مذهبی در ذهنیت جامعه و تحول و رشد هنر عامه شمایل نگاری مذهبی، کارکردهای مهم دیگری نیز داشته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

انگیزش شور قدسیانه

نمایش فاجعه خونبار کربلا، چنان حزن‌انگیز و درداور است که در ژرفای دل و احساس هر بیننده شور و غوغایی عارفانه به پا می‌کند. کمتر کسی است که روایت مصایب و آلام شهیدان و اهل بیت خاندان پیامبر (ع) و سبعت و ستم اشقیاء را در تعزیه بشنود و ببیند و از شدت اندوه و ماتم شهیدان به هیجان نیاید و به گریه نیفتد. به طور کلی، نمایش مذاهب در تعزیه خوانی چنان شور و غوغایی در درون مؤمنان پدید آورد که رشته‌های پیوندشان را با زندگی دنیوی نامقدس می‌گسست و آنان را به فضای قدسی پر رمز و رازی که تجلیگاه روح مقدسان و نیاکان است، می‌برد.

تطهیر روح و تزکیه نفس

همه دست‌اندرکاران تعزیه خوانی، از تعزیه‌گردان و تعزیه‌خوان و بانیان تعزیه گرفته تا خادمان و تماشاچیان مجالس تعزیه، شرکت در سوگ سالار شهیدان

در تعزیه‌ها نقشی غیر از مؤلف‌خوان و مخالف‌خوان داشتند و یا به شبیه موجودهای غیر مادی و ماورای طبیعی درمی‌آمدند. بیشتر آنان یا طرفدار امام بودند، مانند: حوریان، فرشتگان و ملائک و ... یا سرانجام در سلک پیروان و طرفداران امام و گروندگان به اسلام و تشیع درمی‌آمدند، مانند: مسیح، زرتشتی، یهودی و بت پرست و غیره. بعضی نیز از گروه بدکاران و طرفداران اشقیاء به شمار می‌آمدند، مانند: برخی از غلامان و اجنه و ارواح.

شبیه جانوران: تعزیه‌سازان این دو دسته اخیر را معمولاً با عنوان کلی «تعزیه‌خوان مجلس» یا «نسخه‌خوان مجلس»



نامیده‌اند.^{۱۱}

ها نقش تعزیه در حفظ ارزش‌های دینی بستر رشد و تکامل تعزیه، بطن جامعه است؛ بطنی که به معنویت می‌انجامد. ایمان و اخلاص صادقانه‌ای که به نیکوترین وجه و بر مبنای اعتقادات عمیق قلبی از دیرباز، از سوی ایرانیان، به خاندان حضرت علی (ع) ابراز می‌شود، نقطه اصلی و مرکز دایره همه آن مسائلی است که در تعزیه‌ها متموج است. روضه خوانی و گریه و بعد نوحه خوانی و بالاخره سینه‌زنی و حرکت دستجات سینه‌زنی و بعد - با گذشت زمان - بعد نمایشی



می‌افشاند.

تحکیم همبستگی و وحدت

نمایش شهادت قهرمانان و مصایب شهیدان دین و مذهب در تعزیه‌خوانی، از سویی انسان مؤمن و معتقد را با رشته‌های نهانی به یک نیروی قدسی بیرون از او پیوند می‌داد و از سوی دیگر با پدید آوردن وحدت در عقیده و رفتار مؤمنان، آنان را به یکدیگر نزدیک و یگانه می‌کرد. بنابراین هدف اصلی و مهم تعزیه، تقویت و تحکیم احساس جمعیت یا احساس وحدت میان مؤمنین، یعنی میان تعزیه‌خوانان روی سکوی تکیه و مردم پیرامون سکوی تکیه بوده است. همچنین چون رکن اصلی تعزیه‌های مربوط به واقعه کربلا بر نبرد میان نیروهای شرّ و خیر و شهادت دلیرانه قهرمانان پاک‌نهاد تاریخ مذهب نهاده شده است، از این رو، باز نمودن واقعه‌های شهادت در تعزیه‌خوانی‌ها، نیروی ستیزندگی و دلیری و استقبال از مرگ و شهادت در راه عقیده و مذهب را در جامعه سستی دینی تحکیم می‌بخشید. اصولاً هدف و کارکرد اجتماعی مهم دین و مناسک مذهبی نیز تقویت روحیه ستیزندگی و آماده کردن مؤمنان برای جهاد و شهادت است. مشارکت در مناسک و آیین‌های مذهبی، نیروی ایمان انسان را تقویت می‌کند و به او قوت قلب می‌دهد تا این‌که با سرسختی و اعتماد به خود، مصایب زندگی را تحمل کند.^{۱۳}

پی‌نوشت‌ها:

۱. شهیدی، عنایت‌الله؛ پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران؛ صص ۶۲ - ۶۱.
۲. پتر چلکووسکی؛ تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود خانمی؛ صص ۱۳۹ - ۱۳۸.
۳. شهیدی؛ پیشین؛ صص ۲۸.
۴. گلی‌زواره، غلامرضا؛ ارزیابی سوگواری‌های نمایشی؛ صص ۱۵.
۵. شهیدی؛ پیشین؛ صص ۴۰ - ۳۴.
۶. گلی‌زواره؛ پیشین؛ صص ۴۶.
۷. همایونی، صادق؛ تعزیه در ایران؛ صص ۷۱.
۸. گلی‌زواره؛ پیشین؛ صص ۴۸ - ۴۷.
۹. هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر؛ امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار؛ صص ۱۱۷.
۱۰. گلی‌زواره؛ پیشین؛ صص ۵۴.
۱۱. شهیدی؛ پیشین؛ صص ۳۲۵.
۱۲. همایونی؛ پیشین؛ صص ۴۳.
۱۳. شهیدی؛ پیشین؛ صص ۴۵ - ۴۰.

را در آنان زنده و پایدار نگاه می‌داشت. در فرهنگ شهادت، وارهدگی از این جهان، حقیقت‌جویی، دلیری، ایثارگری و دادجویی ارزش به شمار آمده و وابستگی به این جهان، حق‌کشی، جبن، جاه‌طلبی، خشونت، ستمگری و بی‌عدالتی؛ ضد ارزش به شمار می‌روند. تعزیه در القای مجموعه این ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به مردم و آموزش رفتار و خصایل سازگار با ارزش‌های والای شهادت و تعیین یک هویت فرهنگی مستعلی در رفتار و اخلاق جمعی مردم جامعه، نقشی سخت و مؤثر داشت.

تسکین آلام

مصایب و آلام امام حسین (ع) در ذهنیت جامعه شیعه ایران، نمونه کهن و ازلی مصایب و آلامی است که به رنج‌ها و آلام شیعیان معنا می‌بخشد. نمایش واقعه کربلا و تقلید و تکرار شهادت و مصایب انبیا و اولیا و اوصیا در محرم و صفر هر سال، اثری آرام‌بخش بر احساس شیعیان می‌گذاشت. مردم با مشاهده درد و رنج‌های امام و شهیدانشان در کربلا، احساس یأس و ناامیدی را از خود دور می‌کردند و درد و رنج‌های زندگی خود را خرد و تحمل‌پذیر می‌یافتند و همه رنج‌ها و غم‌ها را امری بهنجار و از یاد بردنی و راهی به سوی رستگاری می‌انگاشتند. نمایش مصایب در تعزیه‌خوانی‌ها، احساس غرور و بزرگی یک انسان کامل و والا را در درون دل‌های مردم و جامعه دیندار سنتی تقویت می‌کرد و تخم ایثارگری و از خودگذشتگی و حق‌جویی و انقلاب و شهادت را در کنه وجودشان

بخشیده و آن را هم‌پا و هم‌سنگ مناسک مذهبی - عبادی دیگر قرار داده است. تعزیه‌خوانی، باب توسل و مرادخواهی را به روی آن‌ها می‌گشود و نقش مهم و مؤثری در آیین‌نذورات ایفا می‌کرد. بانی تعزیه‌خوانی شدن یا کمک مالی کردن در برپایی آن؛ ایفای نقش در تعزیه‌خوانی؛ سقایی کردن؛ قهوه‌چی بودن؛ جای دادن؛ گلاب‌افشانی کردن در مجالس تعزیه؛ دادن اسباب مجلس تعزیه؛ بستن و تزیین تکیه‌ها و حسینیه‌ها و جارو و تمیز کردن صحن این مکان‌ها برای تعزیه‌خوانی؛ از جمله خدمات‌ها و کارهایی بودند که آن‌ها را مردم برای تیمن و تبرک و اجر و پاداش اخروی و یا به نیت ادای نذرها و برآورده شدن حاجاتشان انجام می‌دادند. مردم با اهدای نیروی کار خود و عرضه خدمات رایگان و پرداختن اعانه و نذری در مجالس تعزیه‌خوانی، زمینه‌ای آرامانی برای توسل به نیروهای مقدس دینی فراهم می‌کردند. از این طریق با نیروهای قدسی بیرون از جهان مادی، رابطه‌ای روحانی برقرار می‌کردند و از آن‌ها در فایق آمدن بر تنگی‌ها و ناکامی‌ها و برآورده شدن حاجات و شفای بیماری‌ها استعانت می‌جستند.

تقویت و استعلا پی‌نش شهادت

امام حسین (ع) با شهادت خود، به پدیده مرگ اعتبار بخشید و ناخجستگی را از چهره مرگ زدود. تعزیه، با روایت شهادت امام حسین (ع) و بازنمایی پایگاه والای این شهادت، بینش شیعیان را درباره پدیده شهادت استعلاء می‌بخشید و روحیه شهادت‌طلبی و مرگ‌بافتخار